

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

Knowing the causes of a crime is a complex and multi-dimensional process that has a different path and method in relation to each crime. Many studies have been done regarding common crimes in societies. Meanwhile, the crime of disobeying the justice officers occurred, that is, considering the circumstances of the victim, it is a special crime. There is more to think about. There is no doubt that applying effective management for officers requires understanding the behavioral complexities of communication and customers, adopting appropriate behavioral measures and methods, and using appropriate skill models to control and limit them.

Methodology: The present research was carried out in a descriptive and analytical way using library sources and texts. Results: These results were obtained that psychological and social factors are the most important factors that the occurrence of violence and rebellion against the police can be discussed based on these factors. The most important factors of rebellion against police officers in psychological criminology theories can be considered by relying on the theories of "failure-violence", "Pinatel's criminal personality", "self-control theory" and "Sherman's theory of defiance" as well as crime theories. Sociology with emphasis on the theories of "social learning", "low class culture"

### جامعه‌شناختی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۲

محمد شهاب رحمت زاده<sup>۱</sup>

محمد مهدی برغی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۰

محمد حسین کریمی<sup>۳</sup>

### چکیده

زمینه و هدف: شناخت عوامل وقوع یک جرم فرایندی پیچیده و چند بعدی است که در ارتباط با هر جرم مسیر و شیوه متفاوتی دارد. در خصوص جرایم متداول در جوامع، مطالعات بسیاری انجام شده است. در این میان جرم سرپیچی از مأموران دادگستری رخ داد، یعنی با توجه به شرایط بزه دیده، جرم خاصی است. چیزهای بیشتری برای فکر کردن وجود دارد. شکی نیست که اعمال مدیریت مؤثر برای افسران مستلزم درک پیچیدگی‌های رفتاری ارتباطات و مشتریان، اتخاذ تدابیر و روش‌های رفتاری مناسب و استفاده از مدل‌های مهارتی مناسب برای کنترل و محدود کردن آنهاست.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی با بهره‌گیری از منابع و متون کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها: وقوع تمرد را ابتدا باید در بطن تعامل اجتماعی مردم و پلیس بررسی کرد که چه چیزی وقوع تمرد را در بطن تعامل اجتماعی بین مردم و بخشی از جامعه آغاز می‌کند و ورود فرار از قانون به تعامل مورد نیاز می‌تواند ابعاد و آثار مختلفی در به دست آوردن ایده داشته باشد و احتمال وقوع آن نیز وجود دارد، خشونت در این تعامل به دلیل فرار از قانون است که قانونگذار این عمل را تمرد نامیده و مجازات آن را مشخص کرده است. این نتایج حاصل گردید که عوامل روانی و اجتماعی مهم‌ترین عواملی هستند که وقوع خشونت و تمرد علیه پلیس را بر مبنای این عوامل می‌توان مورد بحث قرار داد. مهم‌ترین عوامل وقوع تمرد علیه مأمورین انتظامی در نظریه‌های جرم‌شناسی روان‌شناختی می‌تواند با تکیه بر نظریه‌های «ناکامی - خشونت»، «شخصیت جنایی پیناتل»، «نظریه خودکنترلی» و «نظریه سرپیچی شرمین» تلقی می‌شود و هم‌چنین نظریه‌های جرم‌شناسی جامعه‌شناختی با تأکید بر نظریه‌های «یادگیری اجتماعی»، «فرهنگ طبقه پایین»، «بوم‌شناسی جنایی و طراحی محیطی مهم‌ترین عوامل اجتماعی جرم به وقوع جرم تمرد علیه مأمورین انتظامی در نظر گرفته شده است که در وهله نخست قانون‌گریزی و سپس خشونت علیه ضابطین را به دنبال دارد. از این رو رفع بخشی از مشکلات مرتبط با عوامل مذکور تا حد زیادی می‌تواند وقوع تمرد علیه ضابطین را کاهش دهد.

**کلید واژه‌ها:** تمرد، ضابطین دادگستری، قانون‌گریزی، خشونت، جرم‌شناسی جامعه‌شناختی، جرم‌شناسی روان‌شناختی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

msrahmatzadeh@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)

barghi@meybod.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

mhdkarimi@hatmail.com

جرایم در سطوح مختلف فردی و اجتماعی واجد آثار و پیامدهای نامطلوبی هستند، و البته وقوع برخی از جرایم آثار نامطلوب به مراتب گسترده‌تر و شدیدتری را در پی دارند از جمله این گونه جرایم می‌توان به وقوع تمرد علیه مأمورین و به ویژه ضابطین قضایی اشاره نمود. «تمرد» نسبت به مأموران، که از آن تحت عنوان «تعدی»، «حمله»، «تجاوز» و ... نیز نام برده‌اند. در قوانین جزایی ایران جرم شناخته شده و برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است.

صرف نظر از مسایل قانونی مرتبط با جرم «تمرد نسبت به مأمورین دولتی» بسیاری بر این باورند که مقاومت یا حمله به مقامات دولتی در انجام وظایف حاکمیتی خود در واقع مخالفت و مقابله با دولت است که منجر به تضعیف قدرت و ناامنی ملی و حتی تشویق دیگران به ارتکاب چنین اعمالی می‌شود. بنابراین، تحکیم و حفظ اقتدار حاکمیت با جرم‌انگاری آن و تعیین مجازات مناسب برای کسانی که مانع اجرای اقدامات حاکمیتی می‌شوند، مرتبط است. (شاگری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸). از طرفی اعتراض‌های مردمی بی‌گمان نیاز به علت‌شناسی و بررسی علمی جرم‌شناختی و در نتیجه پیشگیری و پاسخ‌دهی مناسب دارد و تنها از این راه می‌توان به حل مشکل پرداخت و نظم، امنیت و مشروعیت حاکمیت را حفظ نمود (رجبی تاج امیر، ۱۴۰۲: ۲۱۹).

علاوه بر این افزایش موارد تمرد نسبت به ضابطین از سوی افراد و طبقات مختلف اجتماعی زنگ خطری برای اقتدار و حاکمیت قانون محسوب می‌شود، این مهم علاوه بر اینکه بعضاً موجب آسیب دیدگی شدید جسمی و روحی ضابطین قضایی شده و در مواردی این کارکنان بصورت کلی از چرخه خدمت خارج می‌شوند؛ همانگونه که گفته شد در اثر تکرار این جرم، به تدریج اجرای قانون تضعیف شده و موجب اخلال در امنیت کشور و در نتیجه کاهش احساس امنیت می‌شود.

از این رو تمرد را باید مصداق واقعی قانون‌گریزی در نظر داشت، قانون‌گریزی را به‌منزله شکلی از رفتار نظام تحلیل و قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی (ناهمنوایی) و اخلاقی را انواع سه‌گانه قانون‌گریزی در ایران معرفی کرده‌اند. در قانون‌گریزی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش، سود و زیان ناشی از اطاعت‌نکردن را محاسبه می‌کند و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است و عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری آن را فراهم می‌کنند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۳). در قانون‌گریزی اعتراضی مشروعیت‌نداشتن قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گريزانه را شکل می‌دهند. در این حالت، هنجارها و الزام‌های درونی‌شده مقوم اطاعت از بین می‌روند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۵).

اما آن چه که در بطن قانون‌گریزی واقع می‌شود این است که مواجهه نخست عملی فرد متمرد با مأمور اجرای قانون و یا به تعبیری ضابطین دادگستری است. در واقع وقوع تمرد در بطن یک تعامل دوسویه بین

ضابط و مجرم اتفاق می افتد، وقوع تمرد علیه ضابطین قضایی به واسطه اثرات نامطلوب امنیتی و اجتماعی شایان توجه است و به واسطه نوع مأموریت ضابطین کنش و تعامل با بزهکاران و بخش گسترده‌ای از مجرمین اتفاق می افتد که اساساً تمرد نیز در بطن این تعامل رخ می دهد و در واقع تمرد کنش مجرمانه‌ای است که طی یک تعامل رخ می دهد. این مسئله نشان می دهد که در وقوع تمرد دلایل و انگیزه های مختلفی ممکن است مدنظر باشد، که لازم است تا این مهم در بستر نظریه ها و دیدگاه های نظری جرم از منظر دانش جرم شناسی مورد توجه و تحلیل قرار گیرد.

در ارتباط با جرم تمرد با توجه به خصائص و ابعاد متفاوت این جرم، می توان عوامل موثر را در قالب دو گروه عوامل «روان شناسی جرم» (جرم شناسی روان شناختی<sup>۱</sup>) و عوامل جامعه شناختی و محیطی جرم (جرم شناسی جامعه شناختی) دسته بندی نمود که لازم است تا این عوامل را از منظر جرم شناسی نظری و تئوری ها و دیدگاه های مختلف اندیشمندان مربوطه، مورد تبیین و تشریح قرار داد. لذا پرسش اصلی که نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به آن هستند این است که علل و عوامل روان شناختی و جامعه شناختی نسبت به تمرد ضابطین با رویکرد جرم شناسی شامل چه مواردی است؟

## پیشینه و مفاهیم نظری

### ۱. پیشینه

استوار و همکاران (۱۳۹۸). در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل جرم شناختی تمرد نسبت به مأموران ضابطین (مورد مطالعه: استان فارس)»، بیان داشته اند که مهم ترین عوامل وقوع تمرد علیه مأموران انتظامی، عوامل فردی، روانی، اجتماعی و محیطی هستند که اول از همه منجر به فرار از قانون و سپس خشونت علیه مأموران می شود. بنابراین حل بخشی از مشکلات مرتبط با عوامل مذکور می تواند وقوع تمرد علیه افسران را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. این پژوهش مسئله تمرد را با رویکرد عامل شناختی مورد توجه قرار داده است.

رحمانی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «مطالعه کیفی علل تمرد شهروندان از فرمان ضابطین در استان خراسان شمالی با رویکرد نظریه زمینه‌ای» اظهار داشته که تمرد از فرمان ضابطین طبق ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی جرم محسوب می شود و مجموعه قوانین، مقررات و شرایط موجود تاکنون نتوانسته اند بازدارنده مناسبی برای جرم تمرد شهروندان از فرمان ضابطین باشند. تمرد از فرمان پلیس به منزله پدیده محوری شامل چهار نوع ابزاری، اعتراضی، خاص گرا و نمایشی است و شرایط علی تمرد از فرمان پلیس شامل سه مقوله عمده قانون نارسا و آموزش ناکارا، اجتماع تسهیلگر تمرد و فرسایش سرمایه اجتماعی است.

<sup>۱</sup>. Psychological Criminology.

شاگری و رستگاری (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «بررسی جرم تمرد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس» بیان داشته اند که حفظ اقتدار دولت و فراهم آوردن امکانات و شرایط لازم برای انجام وظایف محوله از سوی مسئولان آن، از شروط اعمال حاکمیت است. عدم تمکین مردم از مأموران تحت هر یک از عناوین «تعرض یا مقاومت» در قوانین جزایی ایران در شرایط خاصی منجر به رسیدگی به جرم نافرمانی و به معنای ضرب و جرح فیزیکی مأمور و در نتیجه استفاده از الفاظ توهین آمیز در هر موردی است. حتی اگر عرفاً به تعرض لفظی تعبیر شود، تجاوز محسوب نمی شود و حتی فرار یا مخفی شدن از دست کارکنان دولت در حین انجام وظیفه یا سرپیچی از دستورات آنان، مقاومت تلقی نمی شود، مگر اینکه قانونگذار طغیان را اینگونه تعریف کند: «رفتاری که مانع از کار شود. انجام وظایف». "وظیفه افسر" در حمله یا مقاومت پیروز شوید

اسکاتن<sup>۱</sup> و برنان<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، در مقاله ای با عنوان «خشونت هدفمند علیه مأموران اجرای قانون» اظهار می دارند که به عنوان نمایندگان و نگهبانان جامعه، مأموران اجرای قانون چهره های بسیار عمومی هستند. آسیب یا مرگ در حین انجام وظیفه، چه به دلیل تصادفات و چه اعمال عمدی خشونت، یک خطر شغلی برای آنها است. حملات هدفمند به افسران ضابطین، که به عنوان نگهبان جامعه نامیده می شود، یک موضوع پیچیده ای است که پیامدهای قابل توجهی برای کل جامعه دارد.

## ۲. مفاهیم نظری

در ابتدا مفهوم دو واژه اصلی پژوهش یعنی «ضابطین دادگستری» و «تمرد نسبت به ضابطین دادگستری» مورد تبیین و تشریح قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. مفهوم ضابطین دادگستری

در حال حاضر و با توجه به تحولات تقنینی صورت پذیرفته ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تعریف ضابطین بیان داشته است: «ضابطان پلیس قضایی کارکنانی هستند که در کشف جرایم، حفظ علائم و نشانه ها، جمع آوری ادله جرم، شناسایی، کشف و جلوگیری از فرار و اختفای متهم، انجام تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اسناد و مدارک، تحت نظارت و دستورات مدعی العموم و اجرای احکام قضایی طبق قوانین داخلی قرار دارند».

با این تعریف می توان گفت که مبنای کشف جرایم، دستگاه پلیس به عنوان ضابط عمومی قضایی است. زیرا صرف نظر از اینکه کدام جرایم مستقیماً به مراجع قضایی گزارش می شود و چه مواردی از دید دادستان یا سایر مقامات دادرسی رخ می دهد، مهم ترین جرایم ابتدا از طریق سامانه ۱۱۰ یا توسط یا به دلیل شاکی به پلیس گزارش می شود. گشت های پلیس با حضور مداوم در شهر، با طیف وسیعی از جنایات مواجه می شوند

<sup>۱</sup>. Schouten

<sup>۲</sup>. Brennan

که در فضای باز و باز رخ می‌دهند. (عظیمی و نظری نژاد، ۱۳۹۹: ۱۸۱) با این حال طیف ضابطین تنها شامل نیروهای انتظامی نمی‌شود و برابر ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین خاص گروه‌های مختلفی از نظامیان و غیرنظامیان را شامل می‌گردد.

در شرایط فعلی و بر اساس قوانین و مقررات، ضابطان را به طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: (۱) ضابطین عمومی: مأمورینی هستند که جز در مواردی که در قانون مقرر شده است، مأمور کشف جرایم و تعقیب مجرمان تحت نظارت مقام قضایی هستند. الزام قانونی و ویژه به سایر افسران داده شده است. (۲) ضابطان خاص: ضابطانی هستند که اختیارات آنها به موجب قوانین خاص محدود به مداخله در جرایم خاص یا شرایط خاصی است. از قبیل پلیس شهرداری، پلیس راه آهن، مأمورین گمرک و... (خالقی، ۱۴۰۰: ۵۳)، (سوم) ضابطین نظامی: مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی به جرایم نظامیان رسیدگی می‌کنند. منظور از جرایم نظامی جرایمی است که نظامیان در حین وظایفشان و یا به سبب آن مرتکب می‌شوند (شامبیاتی و پروینی، ۱۳۹۳: ۶).

## ۲-۲. مفهوم ترمرد نسبت به ضابطین دادگستری

برای بیان اصطلاح «عصیان» باید به تعریف این واژه در متن قانون اشاره کرد. قانونگذار جرم طغیان را در دو قانون مختلف تعریف کرده است. اولی در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، «هر تعرض یا مقاومتی که عالمأ و آگاهانه نسبت به مأموران حکومت در انجام وظایفشان صورت گیرد، فتنه محسوب می‌شود». و دیگری در ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که در حین انجام وظیفه یا در حین خدمت نیروهای ارتش و نیروی انتظامی با علم به این امر مقاومت یا تعرض کند. ترمردی». برخی نیز در تعریف جرم طغیان خاطر نشان کردند: «هر حمله یا مقاومتی که در حین انجام وظیفه علیه مأموران حکومتی اقدامات عملی انجام دهد، قیام محسوب می‌شود». (امینی نیک، ۱۳۸۷: ۱۱).

مقالات فوق به تمامی سوالات و ابهامات مربوط به خود پاسخ نمی‌دهد. با تأمل در ماهیت حمله یا مقاومت، می‌توان گفت که منظور از حمله مذکور در مواد مربوط به قیام، فقط حمله فیزیکی است؛ بنابراین استعمال الفاظ به هر معنا، حتی اگر توهین به تعرض لفظی تعبیر شود، از شمول ماده ۶۰۷ ق.م.ا و ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح خارج است.

مقصود از مقاومت در مواد نافرمانی، ارتکاب فعل مثبت فیزیکی (عدم اقدام) به قصد اعتراض به انجام وظیفه مأمور دولتی است. مخفی شدن یا فرار از دست کارمند دولت در حین انجام وظیفه و عدم اطاعت از دستور وی، با توجه به اینکه این امر نه الگوی تجاوز و نه در مفهوم مقاومت است، عصیان محسوب نمی‌شود، حتی اگر کارمند نتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد.

بنابراین با توجه به مطلب بیان شده، از دیدگاه نگارندگان ترمرد علیه مأمورین ضابطین را باید این گونه تعریف نمود: «هرگونه حمله یا مقاومت ارتجالی که با اقدام عملی به صورت تجری نسبت به مأمورین نیروی انتظامی در حین انجام وظیفه و یا به واسطه انجام وظیفه به عمل آید».

یافته ها:

در این بخش از مقاله تلاش می‌شود تا دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان جرم‌شناسی پیرامون موضوع تحقیق را به بوته نقد و بحث بگذاریم. در این راستا تلاش خواهد شد تا نظریه‌های علمی جرم‌شناسان پیرامون بحث ترمرد علیه ضابطین را مورد بررسی قرار دهیم، در این راستا باید در نظر داشت که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی دو رهیافت عام در مورد تبیین خشونت وجود دارد. این دو رهیافت را می‌توان رهیافت‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نام نهاد.

### ۱. تحلیل عوامل ترمرد نسبت به ضابطین مبتنی بر نظریه‌های جرم‌شناسی روان‌شناختی

جرم‌شناسی روان‌شناسانه با فاصله گرفتن از علت‌شناسی برخاسته از جبر باوری می‌کوشد تا تبیین علمی واقع‌بینانه تری از جرم و رفتار مجرمانه ارائه کند. در جرم‌شناسی معاصر، جرم‌شناسی روان‌شناسانه شامل نظریه‌های گوناگونی است که با دیدگاه‌های روان‌شناسانه سده نوزدهم و آغاز سده بیستم از جمله نظریه‌های آغازین شخصیت و هوش پدیدار شد و سپس به تبیین‌های دیگری (مانند: نظریه‌های هوش بهر، یادگیری و خصلت و منش) از نیمه دوم سده بیستم بدین سو انجامیده است (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۲۶۱-۲۶۲).

در جرم‌شناسی روانی، جدای از اشاره به عواملی چون هوش پایین، اختلال کروموزومی، اختلال مغز و سیستم عصبی و رفتار غریزی که در تبیین خشونت به ویژه خشونت علیه مأموران ذکر شده است، می‌توان به نظریه‌های ناکامی - خشونت، شخصیت جنایی، خودکنترلی و سرپیچی اشاره کرد که در ادامه به بررسی و تحلیل ارتباطی این نظریات با موضوع مقاله حاضر خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱. نظریه ناکامی - خشونت

نظریه ناکامی - پرخاشگری<sup>۱</sup> از مطالعات جان دلارد<sup>۲</sup> نشأت گرفته است. اساس این نظریه مبتنی بر این فرض است که سرخوردگی و ناکامی همواره موجب پرخاشگری است رفتارهای مجرمانه منوط به میزان وجود ناکامی و سرخوردگی در فرد است. در این نظریه به جای تأکید روی گرایش انواع انسان‌ها به پرخاشگری به

1. Frustration- Aggression.

2. John Dollard.

انواع وضعیت‌ها یا تجربه‌هایی که ممکن است در فرد ایجاد ناکامی و سرخوردگی نموده و در نتیجه پرخاش‌گری را در هر فردی رشد و نمو دهد، تأکید می‌شود (رستمی تبریزی، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

این نظریه که یکی از رایج‌ترین و رایج‌ترین نظریه‌های خشونت است، شکست را عامل ایجاد گرایش‌های پرخاشگرانه می‌داند. نظریه سرخوردگی و خشونت از مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری استناد می‌کند که خشونت را عمدتاً از یک انگیزه بیرونی برای آسیب رساندن به دیگران الهام گرفته است. این رویکرد در چندین نظریه مختلف منعکس شده است، که همه آنها معتقدند شرایط بیرونی مانند شکست، فقدان تصویر و احساس بی‌کفایتی، محرک قدرتمند رفتار مضر هستند. رایج‌ترین نظریه در این گروه، نظریه شکست و خشونت است.

در نمونه‌های مختلف ترمرد علیه ضابطین نیز می‌تواند نشانه‌ها و علائم تطبیق این نظریه را مشاهده نمود، وقتی ضابطین به عنوان مثال برای دستگیری یک مجرم یا متهم اقدام می‌نمایند و یا به عنوان مثال در جریان یک سرقت، پلیس آن‌ها را ناکام می‌گذارد، اقدام به مقابله با ضابطین را می‌توان بر اساس این نظریه تحلیل نمود، چرا که در واقع هدف مجرمانه‌ای که برای فرد در نظر گرفته شده بوده، محقق نشده و در نتیجه منافی است که از این منظر برای خود متصور بوده به دست نیامده و در پی آن، ناکامی، به شکل خشونت علیه ضابطین دادگستری تجلی می‌یابد.<sup>۱</sup>

بر همین اساس به دنبال خشونت علیه ضابطین مشاهده می‌شود که آسیب‌های جسمی علیه ضابطین و نیز آسیب‌های مالی که عموماً علیه تجهیزات و امکانات نظیر خودروهای سازمانی و... است واقع می‌گردد و در واقع این موضوع نشان می‌دهد که ناکامی، خشونت را برای آسیب رساندن را برمی‌انگیزاند.

## ۲-۱. نظریه شخصیت جنایی

از جمله نظریات دیگری که در بحث ترمرد علیه ضابطین قضایی می‌توانند مورد توجه قرار گیرد، نظریه شخصیت جنایی است. برای تبیین نقش شخصیت مجرمانه در تکوین بزهکاری ضروری است که به تعریف شخصیت جنایی توجه شود. «پیناتل»<sup>۲</sup> وی شخصیت بزهکار را اینگونه تعریف کرد: «بدبختی رایج کسانی است که آنها را مقدم بر پذیرش یا جستجوی مناصب خارج یا بر خلاف هنجارهای پذیرفته شده گروه خود قرار می‌دهند.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۶۵).

<sup>۱</sup> سیاست جنایی پلیس در کنترل جرایم خشونت‌آمیز و مجرمان خشن با تعامل راهبردهای نظارت بر مجرمان جرایم خشونت‌آمیز؛ مدیریت ریسک جرایم خشونت‌آمیز؛ محدودسازی خطر؛ افتراقی شدن سیاست جنایی در کنترل جرایم مذکور و با رویکرد افزایش سطح کشف جرایم از طریق روش‌های نوین، ایجاد حس اعتماد عمومی در کنار تدابیر امنیتی محض امکان‌پذیر است (رجبی تاج‌امیر، ۱۴۰۱: ۱۴۹).

<sup>۲</sup> Pinatel

بر اساس نظریه شخصیت جنایی بناتل، تفاوت ماهوی بین مجرم و غیر مجرم وجود ندارد، شخصیت هر فرد دارای پنج رکن یا متغیر است که از یک هسته مرکزی تشکیل شده است که در خود چهار متغیر دارد و این متغیرها به هم مرتبط هستند. به موانع ارتکاب آنها. آنها با جنایت مبارزه می کنند. وقتی شخصیت عادی یک فرد تبدیل به شخصیت مجرمانه می شود که این متغیرها پر رنگ هستند و می توانند موانع سر راه ارتکاب جرم را برطرف کنند. هرگاه یک یا دو متغیر و یا همه آنها به فعل در آیند و فعال گردند، ما شاهد گذار از اندیشه به عمل و فعلیت یافتن عمل مجرمانه هستیم. این متغیرها پیرامون شخصیت مرکزی به فعل و انفعال مشغول اند و وقتی یک یا دو تا از آنها پر رنگ شود با فعل مجرمانه روبرو می شویم. (کی نیا، ۱۳۹۹، ۱۸۶).

اولین متغیر، عامل خودبینی یا خودمحوری می تواند آن مانعی را که عبارت از احترام به حقوق دیگران و نوع دوستی است از میان بردارد. به موجب این متغیر، تمایلات خودمحورانه فرد است که سبب می گردد او همه چیز را در خودش جمع کند و همه چیز را بر اساس خود و منافعش ارزیابی کند. دومین متغیر، متغیر بی ثباتی روانی یا تلون مزاج یا ناپختگی شخصیتی است به معنای فقدان قدرت پیش بینی و دوراندیشی و ناتوانی در استفاده از تجارب گذشته و پیش بینی نتایج آینده و احتمالی رفتار خود، این متغیر می تواند تصور و تجسم شدت و اهمیت مجازات را در ذهن فرد از میان برداشته و او را در بند حال و نه آینده نماید. توضیح اینکه شخصیتی که در مسیر ارتکاب جرم گام برمی دارد ممکن است با تجسم مجازات و عملکرد مجازات، پلیس و دادگاه، از ارتکاب جرم منصرف شود.

دومین متغیر بی ثباتی است؛ یعنی ترکیبی از عدم آینده نگری، بی ثباتی شخصیتی و بی سازمانی فکری است که به زعم بناتل، فرد بی ثبات خوشی و لذت حال را به خطر و رنج پیامد رفتار مجرمانه اش ترجیح می دهد (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۲۹۳)، فعال بودن نوع بی ثباتی ذهنی یا کج خلقی در ذهن فرد، شدت مجازات را ناچیز می کند...

متغیر سوم پرخاشگری است که در جرم تمرد از ضابطین نیز اتفاق می افتد و علاوه بر تهاجم نسبت به پلیس، در ادامه موجب درگیری فیزیکی منجر به جراحت مأمور و ورود خسارت به اموال عمومی و سازمانی نیز می شود بنابراین به وضوح متغیر سوم را در پرونده جنایی مورد نظر قابل ملاحظه است، هم چنین متغیر چهارم نظریه بناتل، بی اعتنائی یا بی تفاوتی عاطفی است که در موارد متعدد پرونده های تمرد قابل تطبیق و مشاهده است.

### ۱-۳. نظریه خودکنترلی

نظریه خودکنترلی یا نظریه عمومی جرم از جمله نظریه‌های جدید در میان نظریه‌های کنترل است که بیش‌تر بر کنترل فردی و درونی تأکید دارد. نام اولیه آن نظریه تمایل - حادثه است که توسط «گات فردسن»<sup>۱</sup> و «تراویس هیرشی»<sup>۲</sup> ارائه شد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

مفاهیم نظریه کنترل با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی، فعالیت روزمره و نظریه‌های انتخاب عقلانی ترکیب می‌شود و از این جهت نظریه خودکنترلی در مقایسه با نظریه کنترل اجتماعی (پیوند) هیرشی، دیدگاهی کامل‌تر است. این نظریه‌پردازان ادعا می‌کنند که خودکنترلی، نظریه‌ای عمومی است که همه جرائم را در همه زمان‌ها تبیین می‌کند. این نظریه مستقل از فرهنگ است و با توجه به آن می‌توان رفتارهای انحرافی یا مجرمانه را در تمامی فرهنگ‌ها یا گروه‌های قومیتی و نژادی پیش‌بینی کرد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۶: ۲۹۳-۲۹۴).

مفهوم اصلی این دیدگاه «خودکنترلی پایین»<sup>۳</sup> است. خودکنترلی پایین / ضعیف احتمال درگیر شدن فرد را در رفتار مجرمانه افزایش می‌دهد و در نقطه مقابل، خودکنترلی قوی احتمال درگیر شدن فرد در رفتار مجرمانه را کاهش می‌دهد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۸: ۱۵۹). در مقابل افراد دارای خودکنترلی بالا، بیشتر به سمت رفتارهایی چون پیدا کردن شغل خوب، ازدواج و حفظ زندگی مشترک می‌روند، در این حالت اشتباهاً این تصور پدید می‌آید که این عوامل در شکل‌گیری و یا پیشگیری و کنترل رفتار مجرمانه نقش دارند، به عقیده گات فردسن و هیرشی اگر فرد خودکنترلی بالایی داشته باشد ارتباط میان وقایع دوران زندگی اش و ارتکاب جرم به صفر می‌رسد (پاک نهاد، ۱۳۹۹: ۲۹۱).

این نظریه هم در بررسی علل ارتکاب جرم از سوی بزهکاران و هم در تحلیل علل بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و تحریک‌کننده برخی ضابطین در وقوع جرم ترمرد علیه آنان می‌توان مدنظر قرار داد. به‌طورکلی خودکنترلی در هر دو طرف می‌تواند تا حد زیادی از وقوع جرم جلوگیری کند و برعکس، ضعف خودکنترلی از نظر روانی می‌تواند آغازگر یک درگیری و تنش بحرانی بین ضابطین و افراد جامعه گردد. در بررسی اسنادی و بررسی‌های انجام شده نیز نمونه‌های زیادی از این دست را شاهد بوده‌ایم که ضعف خودکنترلی (به ویژه در بین ضابطین) موجب وقوع ترمرد و درگیری و خشونت شده است.

به عنوان مثال ابراز خشم و توهین و فحاشی علیه ضابطین در زمان دستگیری یک متهم در منزلش، امری است که به کرات واقع می‌شود و رفتاری غیرقابل پیش‌بینی محسوب نمی‌شود، با این حال پاسخ خشونت‌آمیز و متقابل ضابطین به این مسئله می‌تواند یک تقابل شفاهی را به درگیری فیزیکی و خشونت‌آمیز تبدیل نماید در حالی که اساساً از ضابطین انتظار می‌رود آستانه تحمل و خودکنترلی بیشتری را از خود نشان دهند.

1. Gottfredson

2. Travis Hirschi

3. Low self control

## ۴-۱. نظریه سرپیچی شرم

نظریه دیگری که در حوزه عوامل روان‌شناسی جنایی می‌توان مورد توجه و بحث قرار داد؛ نظریه سرپیچی «لارنس شرم»<sup>۱</sup> است. با توجه به اینکه در تعریف تمرد نیز به مقاومت و سرپیچی اشاره و تاکید شده است، اقدام به مقاومت یا تمرد را بر این اساس باید مورد توجه قرار داد.

این نظریه توضیحی پذیرفتنی درباره مقاومت فرد مظنون در برخورد ضابطین و شهروند ارائه می‌دهد. لارنس شرم در اوایل دهه ۱۹۹۰ آن را بسط داد و در وهله اول برای توضیح تأثیرات متفاوت ضمان‌های اجرایی رسمی تدوین شد؛ یعنی برای توضیح اینکه چرا برخی افراد (با ضمان‌های اجرایی رسمی) منع می‌شوند و برخی افراد به‌طور جدی جرم را تکرار می‌کنند. ایده اولیه این نظریه این است که افراد خاصی برحسب پایگاه و موقعیتشان در جامعه مستعد رنجش‌اند و زمانی که در موقعیتی چالش‌برانگیز قرار می‌گیرند، در جامعه احساس ترس می‌کنند، در واقع، نظریه مقاومت تمرد بیان می‌کند که بسیاری از مظنونان قانون را نقض می‌کنند تا بر برداشت شخصی‌شان از آزار و شکنجه و احساس بی‌عدالتی یا احساسات شرم‌آور ناشی از چنین موانع بازدارنده‌ای غلبه کنند (رحمانی، ۱۳۹۷: ۶۲).

تنوری سرپیچی لارنس شرم زمینه‌ای برای درک بهتر شرایطی که در آن مجازات، باعث افزایش جرم می‌شود فراهم کرده است. نظریه سرپیچی نشان می‌دهد که انصاف و مشروعیت مجازات تجربه شده برای تصدیق شرم ضروری است، که بازدارندگی را شرط می‌کند. هنگامی که مجازات، توسط مجرم ناعادلانه تلقی شود، می‌تواند منجر به شرم و غرور نادیده گرفته شود که احتمال درگیر شدن به ارتکاب بزه در آینده را افزایش می‌دهد (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۱۶۶).

علاوه بر این، نظریه مذکور می‌تواند برخی از تمردهای صورت پذیرفته از سوی متهمین بدحجابی در اجرای طرح‌های امنیت اخلاقی از سوی ضابطین را نیز توجیه نماید. در برخی از موارد تعدادی از متمردين علت رفتار پرخاشگرانه با مأمورین زن را بی‌احترامی و رفتار تحقیرآمیز آنان عنوان نموده‌اند.

در تحلیل و تطبیق این دیدگاه با وقوع جرم تمرد علیه ضابطین باید در نظر داشت، مشروعیتی که بزه‌کار برای مداخله‌گر (در این جا ضابط) قائل می‌شود، بیشتر از آن‌که ناشی از موافقت او با اخلاقی بودن قانون باشد، به احترام و انصاف رویه‌ای که مداخله‌گر در مواجهه با او به خرج می‌دهد بستگی دارد. یعنی در واقع اگر رفتار ضابط به نوعی تحریک‌آمیز باشد، بزه‌کار این رفتار را به نوعی توجیه عدم مشروعیت وی در نظر می‌گیرد.

دوم این‌که قدرت پیوند اجتماعی و قربانی که فرد نسبت به مفهومی که مداخله‌گر به نام آن دارد با بزه‌کار برخورد می‌کند؛ می‌تواند در تبعیت او تأثیر گذار باشد. در وقوع برخی از تمردهای گروهی به ویژه در مناطقی که قاچاق کالا در جریان است، توجه به این مهم برجسته است که بسیاری از افراد در محدوده مکانی مذکور اساساً قاچاق را از نظر عرفی جرم نمی‌دانند بلکه نوعی تجارت محسوب می‌کنند.

<sup>1</sup>Lawrence W. Sherman

سوم این‌که احساس شرم‌ساری که می‌تواند یا منجر به تقویت پیوند اجتماعی پیشین و باور به هنجارهای نقض شده بشود و یا آن‌را ضعیف‌تر کند. و چهارم این‌که احساس غروری که فرد بعد از جرم می‌تواند احساس کند، این‌که آیا این غرور ناشی از همبستگی اجتماعی با جامعه‌ای است که او را سرزنش کرده یا دوری‌گزینی از هنجارها و اعتقادات آن جامعه و احساس افتخار از نقض آن‌ها است، تقابل با ضابطین و یا پلیس به ویژه در سنین نوجوانی و جوانی در گروه‌های اجتماعی همسالان نوعی افتخار و غرور را در پی دارد که وقوع ترمرد علیه یک ضابط می‌تواند اساساً با هدف کسب این غرور نیز صورت پذیرد.

## ۲. تحلیل عوامل ترمرد نسبت به ضابطین مبتنی بر نظریه‌های جرم‌شناسی جامعه‌شناختی

جرم‌شناسی جامعه‌شناختی در واقع شکل تحول یافته جامعه‌شناسی جنایی در جرم‌شناسی اثباتی است، جرم‌شناسی جامعه‌شناسانه با فاصله گرفتن از سبب‌شناسی برخاسته از جبر باوری محیطی — اجتماعی می‌کوشد تا تبیین علمی واقع بینانه تری از جرم و بزه کاری ارائه کند. جرم‌شناسی جامعه‌شناسانه شامل نظریه‌های گوناگونی است که با دیدگاه‌های نسبتب باور سال‌های پایانی سده نوزدهم آغاز شد و سپس به تبیین‌های جامعه‌شناسانه گسترده‌ای از سده بیستم بدین سو انجامیده است (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۳۱۱)، به عبارت دیگر جرم‌شناسی جامعه‌شناختی به صورت واضح تأثیرات محیط و طبقه اجتماعی را نه تنها بر انگیزه‌ها، بلکه بر چگونگی ارتکاب جرم نشان می‌دهد (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۳۶).

پس از بیان نظریه‌های رهیافت فردی و غریزی و نظریه‌های روان‌شناختی در تبیین خشونت، در دومین قسمت به بررسی مبانی نظری مربوط به عوامل اجتماعی وقوع ترمرد علیه ضابطین توجه خواهیم نمود. در این راستا نظریه‌های «یادگیری اجتماعی»، «فرهنگ طبقه پایین»، «بوم‌شناسی جنایی» (نظریه ناحیه‌های جرم) و نظریه طراحی محیطی را مطرح و به تحلیل خواهیم گذاشت.

### ۲-۱. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه‌ی یادگیری را زیر مجموعه نظریه‌های جامعه‌شناسی جرم باید دانست که به نقش آموختن و یادگیری در بروز رفتارهای مجرمانه و خشونت بار تأکید می‌کند. بر مبنای این رهیافت فرد منحرف، ابتدا باید منحرف شدن را یاد بگیرد. در این رهیافت تأکید خاص بر انتقال فرهنگی و فرایند یادگیری اجتماعی انحراف می‌باشد و بنا بر آن انحراف یا عمل نا بهنجار مانند عمل بهنجار از طریق ارتباطات اجتماعی فرا گرفته می‌شود، «ادوین ساترلند<sup>۱</sup>» به تبیین این رهیافت پرداخته است و چگونگی جریان انتقال فرهنگی انحراف را توضیح داده است. ساترلند رفتار مجرمانه را به عنوان رفتار بهنجار آموخته شده توصیف نمود و در ادامه مدعاهای مشخصی درباره‌ی سرشت یادگیری به هنجار عنوان کرد؛ ولی اظهار داشت که یادگیری بهنجار به طور عمده مستلزم

<sup>1</sup>. E. Sutherland

یادگیری ایده‌ها و باورها در فرآیند ارتباط با دیگر افراد است؛ رفتارها از جمله، رفتارهای مجرمانه، از آن ایده‌ها و باورها پیروی کرده و محصول آن‌ها می‌باشند (ولد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷۲).

رویکرد یادگیری اجتماعی بر این تمرکز دارد که چگونه موقعیت‌های اجتماعی و محیطی به افراد آموزش می‌دهند که پرخاشگرانه عمل کنند. نظریه یادگیری اجتماعی نه تنها به پاداش‌ها و تنبیه‌های مستقیمی که افراد به طور مستقیم تجربه می‌کنند، توجه دارد، بلکه به پاداش‌ها و تنبیه‌هایی نیز مربوط می‌شود که الگوها برای رفتار پرخاشگرانه خود دریافت می‌کنند. بر این اساس افراد رفتار الگوها و پیامدهای رفتار خود را مشاهده و تأمل می‌کنند که در صورت مثبت بودن این نتایج، رفتار مذکور در موقعیت‌های مشابه توسط مشاهده‌گر تقلید می‌شود. در ارتباط با موضوع پژوهش این دیدگاه را می‌توان دیدگاه مطلوب برای مبانی نظری ارزیابی نمود. چراکه اساساً مطالعه وقوع جرم ترمرد علیه ضابطین می‌تواند ما را به این مسئله مهم رهنمون سازد که به‌عنوان مثال در مکان جغرافیایی (الف)، شکلی از خشونت در بین افراد خشونت‌فراگیر شده که اساساً قبیح وقوع ترمرد و حمله علیه ضابطین نه تنها فروریخته بلکه به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف مجرمانه نیز تلقی می‌شود.

برخی پژوهشگران بر پایه نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات مرتبط با اعمال خشونت، این نتایج را به رفتارهای خشونت‌آمیز علیه ضابطین نیز تعمیم داده نکات حاصله را به شرح زیر بیان داشته‌اند: اگر ماموران هنگام تعامل با شهروندان دست به خشونت بزنند می‌توانند تلافی کنند و در نتیجه ماموران قربانی رفتار خشونت‌آمیز می‌شوند همچنین زمانی که ماموران با خواسته‌های شهروندان مخالفت می‌کنند ممکن است افسران قربانی رفتار خشونت‌آمیز شوند. (عارفی نیا، ۱۳۹۰: ۴۶)

این رفتار را به ویژه در وقوع ترمردهای گروهی علیه ضابطین می‌توان ناشی از همین دیدگاه دانست، چرا که اساساً در وهله نخست نوعی یادگیری اجتماعی واقع می‌شود و ثانیاً مخالفت ضابطین با خواسته‌های شهروندان و یا ایجاد مانع برای ابراز این خواسته‌ها، مقابله به مثل آنان را در پی خواهد داشت و در نتیجه وقوع جرم ترمرد علیه ضابطین در این موارد محتمل به نظر می‌رسد.

## ۲-۲. نظریه فرهنگ طبقه پایین

نظریه فرهنگ طبقه پایین «والتر میلر»<sup>۱</sup> مبتنی بر ویژگی‌های طبقاتی جوانان طبقات پایین جامعه است. وی اظهار می‌دارد که پسران خانواده‌های طبقه پایین نسبت به پسران سایر طبقات اجتماعی از آزادی و استقلال بیشتری در ترک خانه برخوردارند. آنها همچنین بیشتر از کودکان طبقه متوسط مرتکب برخی جرایم مانند مشروب خواری و سیگار کشیدن می‌شوند که به بزرگسالان نسبت داده می‌شود، زیرا «استقلال» یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کودکان طبقه پایین است.

<sup>۱</sup> Walter Miller.

علاوه بر استقلال، قانون و مقررات از نظر جوانان این قشر پدیده‌ای است که آنها را به دردسر می‌اندازد. از سوی دیگر، جوانان طبقات پایین به ضابطان به عنوان منبع حمایت یا خدمات اجتماعی اهمیتی نمی‌دهند و نقش ضابطان را مایه دردسر و آزار مردم می‌دانند و بر این اساس رغبتی ندارند. برای احترام به آنها ضابطین چنین نگرش نسبت به ضابطان، جوانان طبقات پایین را برای اعمال انحرافی آماده می‌کند. به طور کلی آنچه باعث می‌شود جوانان طبقه پایین جامعه به مجرم تبدیل شوند، شدت علاقه و دلبستگی آنها به ارزش‌های طبقه پایین جامعه است. (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

بنابراین از دید میلر جوانان طبقه پایین جامعه رفتاری کاملاً طبیعی و منطبق با نیازها، اقتضانات و ارزش‌های حاکم بر طبقه خود دارند. تفاوت کلیدی نظریه میلر و کوهن در این است که از دید کوهن بزهکاری واکنش طبقه پایین بر علیه ارزش‌ها و هنجارهای طبقه متوسط جامعه است؛ ولی از دید میلر، افراد طبقه پایین صرفاً از ارزش‌های فرهنگی طبقه خود پیروی می‌نمایند و قصد براندازی ارزش‌های طبقه متوسط را ندارند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

با توجه به اینکه اساساً شغل ضابطین به‌گونه‌ای است که اصطکاک و ارتباط این سازمان در مباحث مربوط به پیشگیری از جرائم (به‌ویژه جرائم خرد) و کشف جرم، با طبقات اقتصادی پایین جامعه بیشتر است، از این رو با استناد به این نظریه تا حد زیادی می‌توان به تحلیل مطلوب‌تری از وقوع جرم ترمرد علیه ضابطین پرداخت. چنانکه در بررسی‌های انجام‌شده بر روی بزهکاران نیز مشخص شد تعداد افرادی که دارای درآمد پایین و محل سکونتشان محلات فقیرنشین بوده نسبت به سایر افراد دیگر، بیشتر مرتکب این جرم شده‌اند.

### ۲-۳. نظریه بوم‌شناسی جنایی (نظریه ناحیه‌های جرم)<sup>۱</sup>

این نظریه با بهره‌گیری از مفهوم «زیست بوم انسانی» پارک، پژوهش‌های مکتب شیکاگو را به مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان نیز گسترش داد. نخستین نسخه این نظریه را کلیفورد شاو - از دیگر پژوهشگران دانشگاه شیکاگو - در کتاب «ناحیه‌های جرم خیز» و سپس با همکاری هنری مکی در کتاب «عامل‌های اجتماعی در بزهکاری کودکان و نوجوانان» سازمان‌دهی و کامل کرد. به باور شاو، بزهکاران از اساس، انسان‌هایی بهنجاراند و رفتارهای مجرمانه به محیط پیرامون آنان بستگی دارد (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۳۱۶).

بوم‌شناسی جنایی یا اکولوژی جنایی عبارت است از تأثیر زیستگاه فردی و محل زیست فرد در رفتار مجرمانه. مراد از زیستگاه یا محل زیست، هم‌خانه یا آپارتمانی است که فرد در آن زندگی می‌کند و هم‌کوچه و خیابان آن خانه است. می‌توان گفت بوم‌شناسی جنایی به معنای بررسی تعامل و کنش متقابل بین فرد و

<sup>۱</sup>. Delinquency Areas.

شرایط محل زیست او یا تأثیر شرایط محل زیست او در رفتار وی است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۴۷۵) در این ارتباط در واقع دو محیط را باید در جرم ترمرد مورد توجه قرار داد، نخست محیط جغرافیایی محل وقوع جرم که می‌تواند محله، خیابان، روستا و... از یک منطقه مشخص و جرم خیز باشد و ثانیاً محیط و محل کار ضابطین در این ارتباط باید مورد مطالعه و توجه و بررسی قرار گیرد.

#### ۲-۴. نظریه طراحی محیطی

نظریه طراحی محیطی بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرائم ارتكابی در محیط ساخته‌شده پیشگیری کرد. این فرایند «پیشگیری محیطی» یا «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط<sup>۱</sup>» نامیده می‌شود.

پیشگیری محیطی عبارت است از به کارگیری تدبیرهای طراحی و مهندسی و معماری در فضاهای زندگی (شهر، محل سکونت، و غیره)، و به همین دلیل به آن، پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی و یا آمایش محیطی نیز گفته می‌شود و «نظریه طراحی عاری از جرم<sup>۲</sup>» را برای تبیین این گونه از پیشگیری موقعیت مدار به کار می‌گیرند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۷: ۵۷). در واقع این رویکرد مدافع تغییرات در محیط مادی و اشیا مادی داخل آن‌هاست، این استراتژی رفته رفته جزئی از زندگی روزمره در بخش‌های عمومی، مسکونی و تجاری شهر شده است (کارابین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۴).

«جفری»<sup>۳</sup> اولین کسی بود که وی نظریه پیشگیری از جرم را از طریق طراحی محیطی مطرح کرد. به گفته جفری، جامعه‌شناسان در مورد عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم مانند محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... بسیار اغراق کرده‌اند و به عوامل زیستی و فیزیکی توجهی نکرده‌اند. وی با تأکید بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرم قرار می‌دهد، جرایم مختلف را ناشی از فرصت‌های زیست محیطی دانست. این نظریه از شش مولفه تشکیل شده است: قلمرویی، نظارت، کنترل دسترسی، تصویر محیط چالش برانگیز، هدف‌گذاری و فعالیت‌های پشتیبانی. (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۴۵).

نظریه طراحی محیطی را از ابعاد مختلف می‌توان در وقوع جرم ترمرد علیه ضابطین مورد تحلیل قرار داد، این امر از منظر محیط درونی کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی قابل توجه است. بحث خوشایند سازی محیطی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه مسئولان و فرماندهان نیروی انتظامی بوده، مرتبط با همین موضوع است. در واقع در بسیاری از موارد طراحی محیطی نامناسب مراکز انتظامی و کیوسک‌های ضابطین در شهر خود از جمله عواملی است که موجب بروز مشکلات زیادی، از جمله وقوع ترمرد علیه ضابطین محسوب می‌گردد. از طرفی دیگر حضور کارکنان در محیطی که فاقد امکانات و زیرساخت‌های اولیه است، موجب نوعی پریشانی و عدم تمرکز در انجام مأموریت و در نتیجه وقوع خشونت علیه شهروندان می‌شود که طبیعتاً

1. environmental prevention.

2. Situational (Crime) Prevention (SCP).

3. Jeffrey

واقع شدن جرم تمرد نیز در این بین ناگزیر می‌گردد. به هر ترتیب این نظریه تا حد زیادی می‌تواند وقوع جرم تمرد از ضابطین دادگستری را تبیین نماید.

### نتیجه گیری

رفتارهای خشونت آمیز نسبت به ضابطین قضایی می‌تواند پیامدهای بسیار مهم و زیان باری داشته باشد؛ به عنوان مثال وقتی فردی در ملاء عام به یک افسر پلیس تعرض می‌کند و با او رفتار خشونت آمیزی می‌کند، با تضعیف حیثیت آن افسر در بین شهروندان و به مرور زمان موضوع را به دیگر افسران پلیس سرایت می‌کند، این امر برای دیگران مطابق با الگوی رفتاری و ارتباطی عمل می‌کند. برخورد با پلیس در برخورد با آنها مشخص می‌شود و از سوی دیگر جایگاه ضابطان که بازوی اجرایی دستگاه قضایی را تشکیل می‌دهند تضعیف می‌شود.

برای بیان مفهوم اصطلاحی «تمرد» بایست به تعریف این واژه در متن قانون اشاره کرد. آن چه نگارنده در پژوهش حاضر به ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌پردازد. در این بیانیه آمده است که «هر گونه تعرض یا مقاومت آگاهانه علیه مقامات دولتی در حین انجام وظایفشان، تمرد تلقی می‌شود».

بررسی یافته‌های تحقیق گویای این امر است که اساساً وقوع تمرد حاصل تعامل بخشی از افراد جامعه و ضابطین است. بنابراین قابل درک است کیفیت و چگونگی این تعامل اهمیت شایانی داشته و در همین راستا فرایند ارتباط فردی آحاد جامعه با ضابطین، فرصت‌ها و چالش‌های اثربخش این ارتباط و در نهایت میزان جامعه‌پذیری و قبول مسئولیت اجتماعی تمامی آحاد جامعه مؤثر در وقوع یا عدم وقوع این جرم است. در بحث تحلیل رویکردها و نظریه‌های تبیین‌کننده خشونت و تمرد علیه ضابطین، رهیافت‌های جرم‌شناسی روان‌شناسانه و جرم‌شناسی جامعه‌شناسانه مهم‌ترین و اصلی‌ترین دیدگاه‌های تبیین‌کننده را ارائه می‌نمایند.

با لحاظ همین عوامل جرم‌شناختی وقوع تمرد علیه مأمورین انتظامی در دو دسته مورد اشاره تحت بررسی قرار گرفت. در بحث نظریه‌های جرم‌شناسی روان‌شناسانه می‌توان با تکیه بر نظریه‌های «ناکامی - خشونت»، «شخصیت جنایی پیناتل»، «نظریه خودکنترلی» و «نظریه سرپیچی شرم‌من» از منظر عوامل روانی جرم مورد بحث قرار گرفته است. از منظر دیدگاه‌های جرم‌شناسی جامعه‌شناسانه، نظریه‌های «تئوری یادگیری اجتماعی»، «فرهنگ طبقه پایین»، «بوم‌شناسی جنایی» (نظریه ناحیه‌های جرم) و نظریه طراحی محیطی از منظر عوامل اجتماعی جرم به عوامل وقوع جرم تمرد علیه مأمورین انتظامی پرداخته شده است.

با مقایسه میان نتایج پژوهش و مطالعات پیشین و مبانی نظری، باید تأکید کرد که نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین استوار و همکاران (۱۳۹۸)؛ رحمانی (۱۳۹۷)؛ شاکری و رستگاری (۱۳۹۳) و اسکاتن و برنان (۲۰۱۶)، در راستای قانون‌گریزی و تمرد شهروندان از فرمان ضابطین دادگستری هم‌راستا است.

### پیشنهادها:

-وی با توجه به ماهیت فرهنگ و ساختار سلسله مراتبی حاکم بر نیروی انتظامی پیشنهاد می‌کند؛ مافوق و فرماندهان با توجه به اینکه تصمیم، دستور یا رفتار آنها، عمدا یا ناخواسته، قابلیت ایجاد تنش در جامعه را دارد و ممکن است موجب تمرد شود. به آنها اطلاع داده می‌شود و مهارت های لازم به طرق مختلف به آنها داده می‌شود.

- با توجه به ماهیت مأموریت های موفقیت آمیز (از لحاظ عملیاتی بودن) وجود تجهیزات کاربردی امری عادی است و با توجه به نظرات کارکنان و تحلیل های انجام شده در این خصوص، پیشنهاد می‌شود کارگران خط مورد استفاده قرار گیرند. و در مأموریت ها مجهز به ابزار و تجهیزات مدرن و کاربردی باشند. شاید وجود این ابزار (حتی بدنی که از آن استفاده می‌کند) تأثیر روانی بر مخاطب داشته باشد و از انجام عمل غیرطبیعی قبل از وقوع جلوگیری کند.

و از آنجایی که طغیان با ابزار یا ابزار خطرناکتر از قیام بدون آن است، پیشنهاد می‌شود علاوه بر افزایش مجازات کسانی که از سلاح برای ارتکاب جرم طغیان استفاده می‌کنند، مجازات کسانی را که از ابزار یا ابزار برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند نیز مجازات شوند. تمرد جنایت تمرد، کسانی که از این جنایت بیشتر استفاده می‌کنند تا کسانی که از این ابزار یا وسایل استفاده نمی‌کنند. لذا مقتضی است در یکی از بندهای ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی عبارت زیر اضافه شود، چنانچه قیام با استفاده از ابزار یا ابزار باشد مجازات حبس از شش ماه تا دو سال است.

-برگزاری کلاس های روان شناختی با موضوعات مربوط به مهارت های کنترل خشم و استانداردسازی رفتار پلیس به صورت هدفمند برای کارکنانی که در سنین پایین خدمتی و در رسته های خدمتی صفی (اجرایی) مشغول به فعالیت هستند.

-با توجه به اینکه ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی کلیه کارکنان شاغل در دستگاه های دولتی را در یک وضعیت دیده لازم است برخی شرایط خاص مشاغلی مانند مأموریت های پلیسی که دارای خطرات متعدد جسمی و روحی است و نیز تفاوت بازتاب تمرد به یک مأمور انتظامی به عنوان نماینده حاکمیت با دیگر کارکنان دولتی در اصلاحات قوانین جزایی پیش بینی لازم و متناسب به عمل آید.

### فهرست منابع

احمدی، حبیب؛ ایمان، محمد تقی (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۱۹.

- استوار، احمدرضا، پاک‌نهاد، امیر؛ هوشیار، مهدی (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل جرم‌شناختی تهر نسبت به مأموران ضابطین (مورد مطالعه: استان فارس)، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۱۲، شماره ۴.
- امینی نیک، مریم (۱۳۸۷). تهر نسبت به مأمورین دولتی در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۹). دانشنامه جرم‌شناسی نظری، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- شاکری، ابوالحسن و رستگاری، ماندانا (۱۳۹۳). بررسی جرم‌شناسی تهر در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس، فصلنامه دانش انتظامی، سال شانزدهم، شماره ۱.
- شامبیاتی، هوشنگ؛ پروینی، علی (۱۳۹۳). تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادها، تحقیقات حقوق بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۵.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی جنایی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
- خالقی، علی (۱۴۰۰). آیین دادرسی کیفری، چاپ چهل و چهارم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱). کلیات جرم‌شناسی: محتوا و تحول؛ از دیروز تا امروز، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۷). درآمدی بر جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- رحمانی، مریم (۱۳۹۷). مطالعه کیفی علل تهر شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی با رویکرد نظریه زمینه‌ای، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۳.
- رجبی تاج‌امیر، ابراهیم (۱۴۰۲). رویکردها و سازوکارهای پلیس در پیشگیری از ناآرامی‌های اجتماعی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۱۸، شماره ۶۷.
- رجبی تاج‌امیر، ابراهیم (۱۴۰۱). سیاست جنایی پلیس در کنترل جرائم خشونت‌آمیز و مجرمان خشن، فصلنامه علمی کارآگاه، دوره ۱۶، شماره ۵۸.
- رستمی تبریزی، لمیاء (۱۴۰۱). کاربرد روان‌شناسی در علوم جنایی (روان‌شناسی جنایی و روان‌شناسی قضایی)، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون‌گریزی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۳.

عارفی نیا، جواد(۱۳۹۰). **علل اعمال خشونت علیه مأمورین پلیس و راهکارهای پیشگیری از آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

عظیمی، کورش؛ نظری نژاد، محمدرضا(۱۳۹۹). **نقش ضابطان دادگستری و سایر شهروندان در مواجهه با جرایم مشهود مطالعه تطبیقی با آیین دادرسی کیفری انگلیس و فرانسه**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۱۱، شماره ۱.

کارابین، ایمون و همکاران(۱۴۰۰). **درآمدی جامعه‌شناختی بر جرم‌شناسی**، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

کرامتی معز، هادی(۱۴۰۲). **جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در جرم‌شناسی)**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کلاتری، محسن، توکلی، مهدی(۱۳۸۶). **شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری ناجا، سال دوم، شماره ۲.

کی نیا، مهدی(۱۳۹۹). **مبانی جرم‌شناسی**، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۸۳). **تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی**، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

ولد، جرج، برنارد، توماس و اسنیپس، جفری(۱۳۹۴). **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه علی شجاعی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی (۱۳۹۶). **نظریه‌های جرم‌شناسی**، چاپ هفتم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

Schouten, Ronald, Douglas V, Brennan(2016). **Targeted violence against law enforcement officers**, Behavioral Sciences & the Law 34(5). 608-621.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/bsl.2256>